

تأثیر متغیرهای جامعه‌شناختی زبان بر کاربرد دشواژه‌ها در گویش آران و بیدگل

مهناز طالبی دستنابی^{۱*}، ابوالفضل خوشبخت آرانی^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی

پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۵

دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۱۲

The Effect of Sociolinguistic Variables on Using Linguistic Taboos in Ārān and Bidgol Dialect

M. Talebi Dastnabi^{1*}, A. Khoshbakht Arani²

1. PhD Student of Linguistics, Alzahra University

2. MA Student of Sociology, Khwarazmi University

Received: 2016/08/02 Accepted: 2016/11/15

Abstract

Taboos make a part of people's language in different regions and they are used under the effect of sociological factors. The aim of the present study is to examine and classify different types of linguistic taboos in Ārān and Bidgol dialect and to evaluate the difference of their usages regarding social variables of age and gender in single- and mixed-gender environments. The population of the study includes men and women living in Ārān and Bidgol and the sample consists of 180 people (90 men and 90 women). Gender, age, marriage status, and education make the independent variables whose effect on the usage of the taboos is calculated separately in each environment. The results indicate that men use taboos more frequently than women, and similarly, single people use them more frequently than the married ones. Besides, the number of taboos decreases along with the increase of their age.

Key Words: Linguistic Taboo, Sociology of Language, Gender, Ārān and Bidgol Dialect.

چکیده

دشواژه‌ها یا تابوهای زبانی بخشی از زبان مردم هر منطقه را تشکیل می‌دهند و کاربرد آن‌ها در میان گویشوران هر منطقه تحت تأثیر عوامل جامعه‌شناختی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی و طبقه‌بندی انواع دشواژه‌های زبانی در گویش آران و بیدگل و سنجش تفاوت کاربرد آن‌ها بر حسب متغیرهای اجتماعی سن و جنس در محیط تک‌جنسیتی و محیط مختلط بوده است. حجم نمونه پژوهش ۱۸۰ نفر (۹۰ مرد و ۹۰ زن) است. جامعه آماری پژوهش، مردم شهرستان آران و بیدگل استان اصفهان است. جنسیت، سن، وضعیت تأهل و تحصیلات، متغیرهای مستقل این پژوهش هستند که تأثیر هر یک از آن‌ها بر میزان کاربرد دشواژه‌ها در هر دو گویش به طور جداگانه محاسبه شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مردان بیشتر از زنان، و افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل از دشواژه‌ها استفاده می‌کنند. همچنین، با افزایش سن، میزان استفاده از دشواژه‌ها کاهش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: دشواژه، جامعه‌شناسی زبان، جنسیت، گویش آران و بیدگل.

مقدمه

زبان بخشی از فرهنگ هر جامعه است که در گذر زمان تحت تأثیر عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره دچار دگرگونی می‌شود. این دگرگونی گاه باعث از بین رفتن برخی واژه‌ها یا به وجود آمدن واژه‌های جدید در زبان می‌شود. طبق نظر جی^۱ (۲۰۰۳) و هندرسون^۲ (۲۰۰۷)، اگرچه واژه‌ها به ذات خشی هستند ولی در طول سالیان، برخی از آن‌ها ماهیت منفی به خود می‌گیرند. به نظر سمائی، افراد در گروه‌های اجتماعی تابع هنجارهای گروهی‌اند تا جایی که این هنجارها آن‌ها را مجاز می‌کند زبان جامعه مربوط به گروه خود را تغییر دهند (سمائی: ۱۳۸۲: ۵). بین واژه‌ها، زبان و فرهنگ و تمدن جامعه رابطه‌ای بسیار نزدیک برقرار است تا آنجا که باید گفت واژه‌ها نمایش‌دهنده فرهنگ گویندگان آن زبان‌اند. به بیان دیگر، واژه‌ها آیین فرهنگ مردمی‌اند که آن زبان را به کار می‌برند (باطنی: ۱۳۸۷: ۱۸). دشواژه‌ها در هر زبانی وجود دارند ولی کاربرد آن‌ها از نظر اخلاقی مطلوب نیست. کاربرد دشواژه تحت تأثیر بافت اجتماعی نیز متفاوت است. در توصیف مطالعه زبان در بافت اجتماعی، مدرسی (۱۳۶۸: ۱۳۲) نوشته است: «در بررسی‌های جامعه‌شناسی زبان، که با بهره‌گیری از روش‌های جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی صورت می‌گیرد، برای نخستین بار همبستگی متغیرهای زبانی و اجتماعی به شیوه علمی و منظم نشان داده می‌شود». گفت‌وگوهای روزمره افراد در هر جامعه مباحث گوناگونی را در بر می‌گیرد که ممکن است در هریک از آن‌ها، افراد از دشواژه‌های مختلف به میزان متفاوت استفاده نمایند. میزان و نوع استفاده از دشواژه بین افراد به عوامل مختلف اجتماعی نظیر سن، جنس، تحصیلات و منطقه سکونت بستگی دارد. بولتون و هاتون^۳ (۱۹۹۵: ۱۵۹) بر آن‌اند که مطالعه زبانی تابو در مرکز درک کامل اعتقادات و رفتار زبانی قرار دارد؛ یعنی، دشواژه‌ها بخشی از گفتارهای روزمره و شایسته مطالعه و بررسی‌اند.

به طور کلی، منعی که در مفهوم تابو وجود دارد ناظر بر این عقیده است که نقض عهد یا بی‌اعتنایی به تابویی با مفهوم مقدس،

خودبه‌خود، دردهایی برای فرد متخلف در پی می‌آورد (مانند مرگ خویشاوندان، بیماری یا موفق نشدن در شکار و ماهی‌گیری، و امور دیگر). از چنین بدقابلی‌هایی به طور متداول در زندگی روزمره به عنوان حادثه یا بدشانسی یاد می‌شود، اما برای کسانی که به تابو اعتقاد دارند، آن حوادث مجازات شکستن تابوها هستند (بریتانیکا^۴، ۱۹۹۴). به کار بردن فراوان دشواژه‌ها توسط افراد یک جامعه ممکن است تصویری ناخوشایند در نظر افراد دیگر جوامع به وجود آورد یا باعث شکل‌گیری زمینه پیش‌داوری درباره مردم آن جامعه شود. به‌کارگیری دشواژه‌ها کاهش ادب و نزاکت اجتماعی را نیز به همراه دارد. همچنین، بر مناسبات افراد و گروه‌ها و احزاب مختلف اثری شگرف دارد و گاه باعث محدود شدن این مناسبات می‌شود. به نوشته مدرسی، در هر زبان واژه‌ها و اصطلاحاتی با صورت یا مفهوم ناخوشایند، نامطلوب یا غیر مؤدبانه وجود دارند و به همین سبب، اعضای جامعه زبانی از کاربرد صریح و مستقیم آن‌ها اجتناب می‌کنند. این قبیل الفاظ محرمات یا تابوهای زبانی یا دشواژه نامیده می‌شوند (مدرسی، ۱۳۸۷: ۷۹) در این پژوهش، ضمن طبقه‌بندی دشواژه‌ها، تفاوت استفاده افراد از آن‌ها بر حسب جنسیت، تحصیلات و وضعیت تأهل در محیط‌های مردانه، زنانه و مختلط بررسی شده است.

۱. مبانی نظری

تابو اصطلاحی متعلق به قوم پولینزی^۵ است. به نوشته فروید (۱۳۶۲: ۴۵)، در زبان پولینزی، واژه متضاد با تابو واژه نوا^۶ به معنای معمولی و در دسترس همه است. بنابراین، تابو به معنای غیر قابل وصول و محدود و ممنوع است. اصطلاح معروف «وحشت مقدس» اغلب به همان معنای تابوست. در زبان‌های پولینزیایی، این واژه به معنای ممنوع بودن و قدغن بودن بوده و برای هر نوع ممنوعیت به کار می‌رفته است. هر قانون اخلاقی، هر دستور یک رئیس یا فرد بالادست، هر حکمی برای ممانعت از دخالت بچه‌ها در امور بزرگ‌ترها، مشمول تابو می‌شود و با این واژه بیان می‌شده‌اند (آلان و بوریج، ۲۰۰۶: ۱). تابو مجموعه‌ای

4. Britannica

5. Polynesi

6. noa

1. T. Jay

2. Hendesson

3. K. Bolton & C. Hutton

دارند و افراد مفهوم آن‌ها را به‌خوبی درک می‌کنند ولی این مشروط بر آن است که کاربران دارای زبان واحد باشند. دشواژه‌ها نوعی توهین و بی‌ادبی محسوب می‌شوند و کاربرد آن‌ها در هر زبانی ناخوشایند است؛ ولی زبان مخفی شامل لغت یا گزاره‌هایی است با مفاهیم خاص پنهان شده که شاید بی‌ادبی و توهین هم به همراه نداشته باشد. به نظر سمائی، این گونهٔ زبان احتمالاً همیشه در کنار زبان معیار بسیاری از جوامع، برای مخفی کردن اسرار و پوشاندن افکار وجود داشته است (سمائی: ۱۳۸۲). در این مقاله تابوها به سه دسته تقسیم شده‌اند: (۱) زبانی یا دشواژه؛ (۲) رفتاری؛ (۳) حرکات بدنی.

۱.۱. دشواژه

دشواژه‌ها عبارت‌اند از واژه‌ها یا عبارت‌هایی که کاربردشان در هر زبانی، از نظر اخلاقی، نامطلوب تلقی می‌شود و به‌کارگیری آن باعث کسر شأن می‌شود و نشانهٔ بی‌ادبی است. تابوهای زبانی جزء زبان شفاهی هر جامعه محسوب می‌شوند. سوان^{۱۰} (۱۹۸۰) مواردی از کاربرد عملی دشواژه‌ها بیان کرده است که عبارت‌اند از: ابراز رنجش، اظهار تعجب، پرسش به همراه تعجب، توهین، درخواست توأم با توهین برای بیرون راندن فرد، بیان بی‌علاقگی، امتناع همراه با خشونت، واژه‌های پرخاشگرانه و بیان صفات و قیدهای توهین‌آمیز. وارداف^{۱۱} (۱۹۹۲)، به افرادی اشاره کرده است که برای نشان دادن آزادی خود از قید و بندهای جامعه یا برای اثبات غیر منطقی و ناموجه بودن تابو، در حرکت به سوی آزادی بیان، آماده‌اند که قوانین حاکم بر کاربرد تابو را نقض کنند. او مسائل جنسی، مرگ، دفع، اعمال بدنی، مسائل مذهبی و سیاست را به عنوان موضوعات تابوشده ذکر کرده است. وارداف بر این نظر است که دشواژه‌ها گاه برای جلب توجه یا برای نشان دادن خشونت یا شهوت یا برای تمسخر قدرت حاکم یا، طبق نظر فروید، گاه با شکلی از اغوای کلامی یعنی «قبیح صحبت کردن» نقض می‌شوند. مجازات نقض تابوها ممکن است شدید باشد، زیرا ناسزاگویی و توهین به مقدسات هنوز در بسیاری از جوامع جرم است، اما به‌ندرت احتمال دارد مجازات مرگ داشته باشد. در حالی که، نقض تابوهای غیر زبانی مانند زنا با محارم ممکن است در بعضی نقاط جهان به قیمت جان تمام شود

گسترده از اعمال و رفتار و واژه‌ها را شامل می‌شود که انجام دادن، بیان یا حتی اشاره به آن از لحاظ مذهبی، اجتماعی و فرهنگی نوعی نسنجیدگی یا بی‌ملاحظگی همراه با ولنگاری تلقی می‌شود. بنابراین، عمل تابو نباید انجام شود و واژهٔ تابو نباید به زبان آورده شود (هاگز^۷، ۱۹۹۸: ۴۶۲).

در فارسی، برای تابوی زبانی واژهٔ معادل «دشواژه» پیشنهاد شده است. «دش» به معنای بد و معرف مفهوم بد نهفته در دشواژه است (شکیبا، ۱۳۸۶). تابوها قدمت طولانی دارند. چون با شکل‌گیری زبان و تحت تأثیر اوضاع مختلف در گذر زمان واژه‌های جدید شکل می‌گرفته‌اند که گاه مفهومی ناشایست به دنبال داشته و به شکل تابو درآمده‌اند. اندرسون^۸ (۱۹۸۵) تابو را قدیم‌ترین مجموعهٔ قوانین غیر مدون بشری دانسته و گفته است بسیاری بر این نظرند که تاریخ تابو برابر با انواع قدیم و پیشین مذاهب است. به نظر وی، تابو در آغاز نه پاک بود نه ناپاک و فقط چیزی اهریمنی بود که می‌بایست از آن دوری کرد. به این ترتیب، او بر مطلبی مهم انگشت گذاشته و آن این است که در آغاز، میان دو قلمرو پاکی و ناپاکی خویشی و حتی اختلاط وجود داشته و سپس، رفته‌رفته جای خود را به جدایی داده است. در دایره‌المعارف بریتانیکا، به قلم نورت‌کوت دلبیو توماس^۹، مردم‌شناس انگلیسی، تابوی زبانی به شیوهٔ روانکاوانه این گونه توصیف شده است: تابو، به معنای دقیق و صحیح کلمه، عبارت است از: الف) مقدس (یا ناپاک) بودن اشخاص و اشیاء؛ ب) نوعی ممنوعیت ناشی از این وضع؛ ج) نتایج تقدس (یا ناپاکی) که در صورت سرپیچی از این ممنوعیت ظاهر می‌گردد (فروید: ۱۳۶۲: ۴۶). مرز بین دشواژه‌ها با زبان مخفی به طور دقیق تشخیص‌دانی نیست و این دو مقوله در بسیاری موارد با هم اشتباه گرفته می‌شوند. زبان مخفی گونه‌ای گفتگو با مفهومی نهفته است که عموم افراد از درک آن عاجزند و کاربرانی خاص از آن استفاده می‌کنند و اغلب، برای بیان منظوری همراه با کنایه به کار می‌رود. سمائی (۱۳۸۲) بر آن است که زبان مخفی یکی از گونه‌های اجتماعی زبان است. نخستین مدارک این گونهٔ زبان مربوط به سارقان و راهزنان بوده و از زندان رواج یافته است. دشواژه‌ها نیز لغت‌هایی هستند که بیشتر، معنایی تقریباً واضح

7. Hughes

8.L. G. Andersson

9.Northcote W.Thomas

10.M. Swan

11. Wardhaugh

جایگاهی والا در اجتماع از زبان گفتاری بیشتر استفاده می کند، در حالی که فردی با تحصیلات کمتر، بیشتر بر زبان اشاره تکیه می کند.

۳.۱. تابوی بدنی

تابوهای بدنی (استفاده از حرکات بدن)، که آن‌ها را در یک دسته جداگانه بررسی کرده‌ایم، در واقع جزئی از تابوهای رفتاری‌اند. به نوشته ساروخانی، ارتباط حرکتی نه از طریق سخن، بلکه با حرکات صورت می‌گیرد؛ مثلاً، زبان بدن^{۱۶} موجبات پیدایی ارتباط حرکتی را فراهم می‌سازد. هر حرکت چهره، سر یا دست معنایی را به ذهن متبادر می‌سازد که در جوامع مختلف متمایز است. اعمالی چون گریه، فریاد و خنده، نه تنها در بین ملل مختلف معنای متمایز دارند، بلکه در بین نحله‌ها و مکاتب فکری گوناگون نیز نماد دنیای خاص روانی افرادند (ساروخانی: ۱۳۹۲: ۴۸).

امیری‌نیا (۱۳۹۳) بر آن است که حرکات دست هریک از ما بیان‌کننده نکته‌ای است و مانند اشاره به یک بند در قرارداد است. برخی از آن‌ها برای کنترل گفتار شخص دیگر استفاده می‌شوند، مانند بالا بردن دست به نشانه توقف و برخی دیگر جایگزینی برای گفتارند، مانند حرکت توهین‌آمیز انگشت دست توسط یک راننده که با این روش، خشم و عصبانیت خود را به راننده دیگر نشان می‌دهد. گاه افراد از اعضای بدن برای رساندن منظور خود استفاده می‌کنند، البته بیشتر این حالات قراردادی‌اند و ممکن است در هر فرهنگ و کشور معنایی متفاوت به خود بگیرند.

به نوشته پیز^{۱۷} (۱۹۸۸)، همان گونه که زبان کلامی در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است، زبان غیر کلامی نیز ممکن است چنین باشد. در حالی که یک حالت یا حرکت در یک فرهنگ خاص متداول و دارای تفسیری روشن است، احتمال دارد در فرهنگ دیگر بی‌معنی باشد یا معنای کاملاً متضاد داشته باشد؛ مثلاً، تفسیرها و کاربردهای سه حالت متداول انگشت یعنی حلق، بلندکردن انگشت شست و علامت V را در نظر بگیرید. این علامت در بریتانیا، استرالیا و زلاندنو متداول است و به UP YOURS تعبیر می‌شود. وینستون چرچیل، در جنگ جهانی دوم،

(وارداف، ۱۹۹۲: ۲۳۷). از بین تابوها، تابوی زبانی بیشترین فراوانی را دارد. به نوشته تیموتی^{۱۲} (۱۹۹۲)، دشواژه‌ها در بیشتر موارد با ناسزا در ارتباط‌اند. به نظر می‌رسد دشواژه‌ها بیشتر و سریع‌تر توجه مخاطب را جلب می‌کنند چون با زبان بیان می‌شوند و بیشتر برای افراد دارای زبان و فرهنگ واحد مفهوم واضح و مشخص دارند.

۲.۱. تابوی رفتاری

تابوهای رفتاری ممکن است در اعمال روزمره اتفاق بیفتند. در واقع، رفتاری که جامعه نفی می‌کند و ممکن است مجازات در پی داشته باشد، مثل زنا کردن، تابوی رفتاری محسوب می‌شود. تابوهای رفتاری در عمل معنای خود را به دست می‌آورند؛ یعنی، باید به شکل عملی اتفاق بیفتند تا معنای تابو پیدا کنند. پول^{۱۳} (۱۹۹۹) تابو را محدودیتی برای رفتارهایی دانسته است که بر زندگی مردم اثر منفی می‌گذارند. به نوشته آندرسون، در یک جامعه، هر دو نوع تابوی رفتاری (مثل ممانعت از روابط جنسی فامیلی) و تابوی زبانی (مثل نامطلوبی استفاده از الفاظ رکیک) وجود دارد. تابوهای رفتاری در زبان ما منعکس می‌شوند. به تدریج، واژه‌های حقیقی استفاده شده برای گفت‌وگو درباره موضوع تابو به دشواژه بدل می‌شوند. این دشواژه‌ها به الفاظ رکیک تغییر می‌کنند و واژه‌هایی که برای پرهیز از بیان این الفاظ به وجود می‌آیند، به حسن تعبیر بدل می‌شوند (آندرسون^{۱۴}، ۱۹۸۵: ۱۶). نکته مهم این است که تابوها مکان وابسته‌اند؛ یعنی، انجام دادن یک کار ممکن است فقط در یک مکان یا مکان‌های خاص تابو باشد و نه در همه جا (شریفی و دارچینیان، ۱۳۸۸).

از تابوهای رفتاری گاه با نام تابوی غیر کلامی هم یاد می‌شود. میزان استفاده از تابوهای رفتاری بر حسب دایره لغات و همچنین موقعیتی که فرد در آن قرار دارد متفاوت است. به نوشته پیز^{۱۵} (۱۹۸۸)، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین تسلط یک فرد بر زبان گفتار و میزان استفاده از زبان اشاره برای انتقال همبستگی بسیار وجود دارد؛ به این معنی که موقعیت اجتماعی و قدرت شخص مستقیماً با تعداد حرکات بدنی و اشارات وی مرتبط است. فردی با

12. J. Timothy

13. C. S. Pool

14. Andersson

15. A. V. Pease

16. Body language

17. Pease

به‌طور قائم رو به بالا باشد، نشانه توهین است و به معنای up yours یا sit on this است. همچنین، در برخی کشورها مثل یونان، این علامت به معنای پیشنهاد برقراری رابطه جنسی است.

۲. تقسیم‌بندی دشواژه‌ها

تقسیم‌بندی دشواژه‌ها در چند شکل به‌اختصار آورده شده است. این تقسیم‌بندی از مقاله ارباب (۱۳۹۱) اقتباس شده است:

V را به معنای Victory (پیروزی) رایج ساخت، اما او این علامت را در حالی به کار می‌برد که کف دست به سمت بیرون بود؛ اگر کف دست به سمت خود شخص باشد، معنایی توهین‌آمیز دارد. همچنین، در بریتانیا، استرالیا و زلاندنو بلند کردن انگشت شست سه معنی دارد؛ معمولاً این علامت را افرادی که سر جاده‌ها می‌ایستند و قصد دارند سوار اتومبیل‌های عبوری شوند، برای نشان‌دادن مسیر خود به کار می‌برند. وقتی شست

دشواژه	نمونه
بیماری	مریض، سرطان، کر و کور
جنسی	بی‌ناموس، خل، گشاد
جنسی خانوادگی	زناراده، عمه‌ننه
حالات روانی	احمق، قوقو، فصول، مشنگ
حیوانات	خر، گوساله
حیوانات - خانواده	پدرسگ، مادرسگ
خانواده	بی‌پرمادر، پدرسوخته
خوراک	شلغم، بادمجون، زردک
مرگ	جنازه، مرده‌شور، لال بمیر
عمومی	مرتیکه، نکبت، بی‌همه‌چیز

شکل ۱. تقسیم‌بندی کلی دشواژه‌ها

در مناطق دیگر، به صورت «یاکریم» ذکر می‌شود.

در تقسیم‌بندی دشواژه‌های حالات روانی، قوقو در این جامعه آماری به افراد ساده‌لوح و ابله گفته می‌شود. این واژه نام یک پرنده است و

دشواژه	نمونه
حرکت بدن	انگشت دست، بیرون آوردن زبان
قومیتی	ترک، لر
الگوی رفتاری	أمل، عقب‌افتاده
القاب محلی	دزد، خل، فتنه‌ای
تحقیرآمیز	خاک‌برسر، بی‌دست‌وپا
حالات صورت	درازگوش، سیاه‌سوخته

شکل ۲. تقسیم‌بندی جدید برای انواع دشواژه

آمارای این پژوهش در خصوص یکدیگر باورهای خاص دارند و محله‌ها را با القاب خاص می‌شناسند؛ مثلاً، اهالی محله «الف» به فتنه‌ای بودن شهرت دارند، اهالی محله «ب» به دزدی و غیره. در دشواژه‌های حالت صورت، یکی از اعضای صورت فرد به اعضای صورت یک حیوان تشبیه یا با یک لقب توهین‌آمیز نامیده شده است.

در این تقسیم‌بندی (شکل ۲)، سعی شده است ضمن تکمیل تقسیم‌بندی قبل، دشواژه‌های مختص جامعه آماری دلخواه را نیز به‌اختصار شرح دهیم. همان‌طور که در تقسیم‌بندی تابوها گفته شد، حرکات بدن نیز می‌توانند تابو محسوب شوند، مشروط بر اینکه معنا و مفهومی ناخوشایند به همراه داشته باشند. گاه افراد بر اساس رفتار مقطعی‌شان، به یکی از اقوام ترک و لر منسوب شده‌اند (کنایه از ساده‌لوحی). اهالی محله‌های مختلف جامعه

دشواژه	نمونه
عمومی	به درک ، حروم لقمه
اشخاص	عُمَری ، یزید، شمر
نژادی (ادیان)	یهودی، وهابی، سنی
لعنت	خدا لعنتت کنه، لعنتی

شکل ۳. دشواژه‌های مذهبی

در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. نمونه آماری در این تحقیق ۱۸۰ نفر و تقریباً نیمی از آنان زن و نیم دیگر مرد بودند. جامعه آماری ما شهرستان آران و بیدگل در شمال استان اصفهان و در حوالی شهرستان کاشان است با جمعیتی بالغ بر ۹۷۰۰۰ نفر.

۲.۳. متغیرهای اجتماعی

متغیرهای مستقل و اصلی در این پژوهش عبارت‌اند از: جنسیت، سن، وضعیت تأهل و تحصیلات. از پاسخ‌گویان خواسته شده است تا میزان استفاده از دشواژه‌ها را در محیط‌های تک‌جنسیتی (زنانه یا مردانه) و محیط مختلط به صورت مجزا بیان کنند. بعد از جدول انواع دشواژه‌ها، جدول‌هایی را به تصورات جمعیت نمونه درباره مناطق مختلف شهرشان و شهرهای دیگر، که به تابو بدل شده‌اند، اختصاص داده‌ایم. در جدول‌های دیگر، میزان استفاده از تابوها در حالات مختلف روانی (ناراحتی، عصبانیت، شوخی، حالت عادی) سنجیده شده است و در آخر، مفهوم مذهب در قالب پنج گویه بیان شده است تا تأثیر آن بر میزان استفاده از تابوها سنجیده شود.

جنسیت: در این تحقیق، دو جنس زن و مرد در معنای کلی آن در نظر بوده است.

سن: در قالب پرسش باز، از پاسخ‌گویان خواسته شده تا سن خود را به صورت دقیق بیان کنند.

وضعیت تأهل: پاسخ‌گویان در این خصوص به دو دسته متأهل و مجرد تقسیم شده‌اند.

تحصیلات: در این پژوهش، سطح تحصیلات در هفت مقوله از ابتدایی تا دکتری بررسی شده است.

طبق مباحثی که قبلاً مطرح شد، به سبب ویژگی‌های مذهبی خاص جامعه آماری این پژوهش دشواژه‌های مذهبی را با تقسیم‌بندی مختص خود در شکل ۳ نشان داده‌ایم. در دشواژه‌های عمومی که همه جا دیده می‌شود، گاهی افراد را به اسم اشخاص نسبت می‌دهند؛ مثلاً، گفته می‌شود طرف مثل یزید است. همچنین، از ادیان دیگر هم با عنوان ناشایست و ناپسند یاد می‌شود. در موارد اندک، شاهد بوده‌ایم که ترکیبات دارای واژه خدا هم به شکل دشواژه درآمده‌اند.

۳. روش پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌های این پژوهش، ابتدا، دشواژه‌های عمومی، که در گفت‌وگوهای روزمره کاربرد بیشتر دارند، گردآوری شدند. بخشی از دشواژه‌های ذکر شده در پرسش‌نامه از مقاله ارباب (۱۳۹۱) گرفته شدند و بخشی از آن‌ها جزء تقسیم‌بندی جدیدند که دشواژه‌های مورد استفاده خاص جامعه آماری در آن بیان شده است. همچنین، با توجه به ویژگی‌های مذهبی جامعه بررسی شده، تقسیم‌بندی جدیدی از دشواژه‌های مذهبی در جدولی جداگانه صورت گرفته و در کل، ۷۵ دشواژه از تقسیم‌بندی بیست‌گانه انتخاب شد که در بین جامعه آماری پژوهش کاربرد بیشتری داشت. دشواژه‌های ذکر شده در پرسش‌نامه کلی‌اند و معنای عوامانه نیز دارند. بر این اساس، پرسش‌نامه تهیه و تنظیم شد و از پاسخ‌گویان خواسته شد تا میزان استفاده خود از دشواژه‌ها را در دو بافت تک‌جنسیتی و مختلط بیان کنند. پس از توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

۳.۱. نمونه آماری

(مردانه یا زنانه) و محیط مختلط سنجیده شده است. در توصیف متغیرهای پرسش‌نامه، جنسیت به عنوان متغیر مستقل، شامل ۹۰ زن و ۹۰ مرد بوده است. ۵۰٪ پاسخ‌گویان را مردان و ۵۰٪ آنان را زنان تشکیل داده‌اند. در شکل ۴، وضعیت تأهل پاسخ‌گویان تشریح شده است.

۴. توصیف و تحلیل داده‌ها

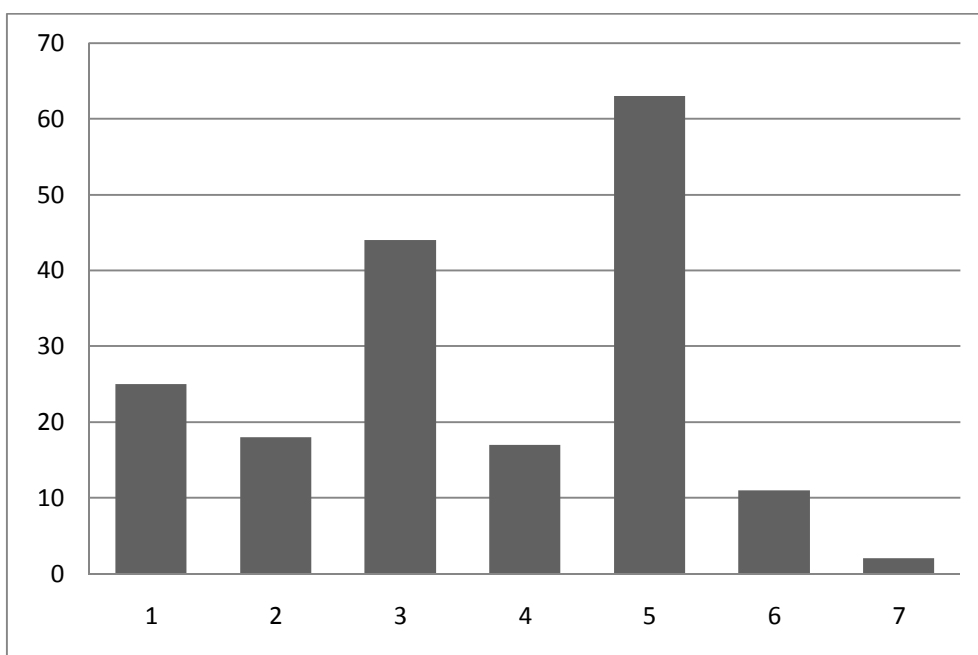
پس از جمع‌آوری داده‌های پرسش‌نامه، میزان کاربرد دشواژه‌ها بر اساس طبقه‌بندی‌های ذکر شده در بخش نظری اندازه‌گیری شد. کاربرد دشواژه‌ها بر حسب جنس در محیط‌های تک‌جنسیتی

وضعیت تأهل	تعداد	درصد
مجرد	۷۲	۴۰.۲
متأهل	۱۰۷	۵۹.۸
مجموع	۱۷۹	۱۰۰

شکل ۴. توصیف وضعیت تأهل پاسخ‌گویان

بیشتر پاسخ‌گویان متأهل‌اند. گفتنی است در خصوص این پرسش یک مورد بی‌پاسخ وجود داشته است.

همان گونه که مشهود است از مجموع ۱۸۰ پاسخ‌گو، ۷۲ نفر یعنی ۴۰.۲٪ از جمعیت نمونه، مجردند. همچنین، ۱۰۷ نفر، که ۵۹.۸٪ جمعیت نمونه را شامل می‌شوند، متأهل‌اند. در نتیجه،



شکل ۵. توصیف مدرک تحصیلی پاسخ‌گویان

دکتری (۷) داشته‌اند. در نتیجه، بیشتر اعضای جامعه آماری ما مدرک لیسانس (۳۵٪) و کمترین آن‌ها مدرک دکتری (۱.۱٪) داشته‌اند. در شکل ۵، ردیف افقی مدارک و ردیف عمودی فراوانی را نشان می‌دهد.

شکل ۵ نشان می‌دهد که ۲۵ نفر از پاسخ‌گویان (۱۳.۹٪) تحصیلات ابتدایی (۱)، ۱۸ نفر (۱۰٪) راهنمایی (۲)، ۴۴ نفر (۲۴.۴٪) دیپلم (۳)، ۱۷ نفر (۹.۴٪) فوق‌دیپلم (۴)، ۶۳ نفر (۳۵٪) لیسانس (۵)، ۱۱ نفر (۶.۱٪) فوق‌لیسانس (۶)، و ۲ نفر (۱.۱٪)

سن	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
	۱۵	۵۶	۲۸.۷۴	۷.۸۸

شکل ۶. توصیف وضعیت سنی پاسخ‌گویان

سن اعضای جمعیت نمونه پژوهش از ۱۵ سال تا ۵۶ سال است. شکل ۶ نشان می‌دهد که میانگین سن پاسخ‌گویان ۲۸.۷۴ سال بوده است؛ یعنی، بیشتر پاسخ‌گویان جوان بوده‌اند.

برای توصیف متغیر وابسته پژوهش، ابتدا میزان استفاده از ابعاد مختلف تابوها را، که در قالب تقسیم‌بندی‌هایی آورده شده‌اند، در جدولی بر حسب درصد بیان کرده‌ایم (شکل ۷).

تابوها	مرد				زن				
	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	میانگین	اصلاً	کم	متوسط	زیاد
بیماری‌ها	۰/۴۷۸	۰/۳۴۴	۰/۱۳۳	۰/۴۰۴	۱/۷۴	۰/۵۴۴	۰/۲۵۶	۰/۱۲۲	۰/۷۸
مرگ و میر	۰/۴۰	۰/۳۲۲	۰/۱۸۹	۰/۸۹	۱/۹۶	۰/۳۸۹	۰/۳۴۴	۰/۲۲۲	۰/۴۴
خوراک	۰/۶۶۷	۰/۳۱۱	۰/۱۰	۰/۲۲	۱/۴۷	۰/۸۱۱	۰/۱۵۶	۰/۲۲	۰/۱۱
عمومی	۰/۵۸۷	۰/۱۶۷	۰/۱۵۶	۰/۱۰	۱/۷۷	۰/۷۵۶	۰/۱۵۶	۰/۶۷	۰/۲۲
خانواده	۰/۵۶۷	۰/۱۶۷	۰/۱۷۸	۰/۸۹	۱/۷۸	۰/۸۰	۰/۱۳۳	۰/۵۶	۰/۱۱
حیوانات- خانواده	۰/۶۵۶	۰/۲۱۱	۰/۶۷	۰/۶۷	۱/۵۴	۰/۸۳۳	۰/۱۵۶	۰/۱۱	۰
حیوانات	۰/۴۱۱	۰/۳۸۹	۰/۱۲۲	۰/۷۸	۱/۸۶	۰/۶۳۳	۰/۳۱۱	۰/۴۴	۰/۱۱
حالت روانی	۰/۵۱۱	۰/۳۱۱	۰/۱۴۴	۰/۳۳	۱/۷۰	۰/۶۲۲	۰/۲۴۴	۰/۱۳۳	۰
قومیتی	۰/۵۱۱	۰/۳۱۱	۰/۶۷	۰/۱۱۱	۱/۷۷	۰/۵۳۳	۰/۳۱۱	۰/۸۹	۰/۶۷
جنسی	۰/۵۸۹	۰/۳۴۴	۰/۱۱۱	۰/۵۶	۱/۶۳	۰/۸۸۹	۰/۶۷	۰/۴۴	۰
جنسی- خانوادگی	۰/۸۹۹	۰/۹	۰/۱۱	۰	۱/۱۱	۰/۹۸۷	۰/۱۱	۰	۰/۱۱
حالت صورت	۰/۸۵۴	۰/۱۰۱	۰/۲۲	۰/۲۲	۱/۲۱	۰/۸۸۹	۰/۱۰	۰	۰/۱۱
حالت رفتاری	۰/۷۱۹	۰/۱۹۱	۰/۴۵	۰/۴۵	۱/۴۱	۰/۵۴۴	۰/۳۱۱	۰/۶۷	۰/۷۸
تحقیق‌آمیز	۰/۵۶۲	۰/۲۵۸	۰/۱۱۲	۰/۶۷	۱/۶۸	۰/۴۳۳	۰/۳۲۲	۰/۱۶۷	۰/۷۸
حالت دفعی	۰/۴۸۹	۰/۲۵	۰/۱۴۸	۰/۱۱۴	۱/۸۸	۰/۵۸۹	۰/۳۳۳	۰/۶۷	۰/۱۱
مذهبی- عمومی	۰/۶۳۶	۰/۱۹۳	۰/۱۱۴	۰/۵۷	۱/۵۹	۰/۸۰	۰/۱۱۱	۰/۷۸	۰/۱۱
مذهبی- نژادی	۰/۶۷	۰/۲۶۱	۰/۲۳	۰/۴۵	۱/۴۴	۰/۹۱۱	۰/۷۸	۰/۱۱	۰
مذهبی- اشخاص	۰/۷۰۵	۰/۱۴۸	۰/۲۳	۰/۱۲۵	۱/۵۶	۰/۸۱۱	۰/۱۶۷	۰	۰/۲۲
مذهبی- لعنت	۰/۶۰۲	۰/۲۸۴	۰/۱۰۲	۰/۱۱	۱/۵۲	۰/۶۳۳	۰/۲۶۷	۰/۶۷	۰/۳۳
حالات بدنی	۰/۶۲۵	۰/۳۹۵	۰/۶۸	۰/۱۱	۱/۴۶	۰/۸۰	۰/۱۵۶	۰/۳۳	۰/۱۱
القاب محلی	۰/۳۷۱	۰/۳۴۸	۰/۲۰۲	۰/۷۹	۱/۹۸	۰/۵۲۳	۰/۳۱۸	۰/۱۱۴	۰/۴۵
مجموع تابوها	۰/۵۳۳	۰/۳۸۹	۰/۴۴	۰/۳۳	۱/۵۷	۰/۷۵۶	۰/۲۲۲	۰/۲۲	۰

شکل ۷. درصد استفاده از انواع تابو در بین زنان و مردان در محیط تک‌جنسیتی

با توجه به ستون میانگین‌ها، در محیط تک‌جنسیتی مردان تابوهای القاب محلی (۱.۹۸)، مرگ و میر (۱.۹۶) و حالت دفعی (۱.۸۸) بیشترین کاربرد و تابوهای جنسی-خانوادگی (۱.۱۱)، حالت صورت (۱.۲۱) و حالت رفتاری (۱.۴۱) کمترین کاربرد را دارند. همچنین، در محیط تک‌جنسیتی زنان، تابوهای مرگ و میر (۱.۹۲)، تحقیق‌آمیز (۱.۸۸) و بیماری‌ها (۱.۷۳) بیشترین کاربرد و تابوهای جنسی-خانوادگی (۱.۰۴)، مذهبی-نژادی (۱.۱۰)، حالت صورت (۱.۱۳)، جنسی (۱.۱۵) و حیوانات خانواده (۱.۱۷) کمترین میزان کاربرد را دارند.

میانگین استفاده از مجموع تابوها برای مردان (۱.۵۷) و برای زنان (۱.۲۶) است و کمتر بودن میانگین از میانه نشان می‌دهد که

اعضای جامعه آماری، در محیط تک‌جنسیتی، از تابوها به میزان کمی استفاده می‌کنند. فرضیه «بین سن و استفاده از تابو در محیط تک‌جنسیتی رابطه برقرار است» ثابت می‌شود ($\text{sig} = 0/01$)؛ شدت این رابطه ضعیف است (۰/۱۷) و جهت رابطه نیز معکوس است؛ یعنی، با بالا رفتن سن میزان استفاده از تابو در محیط تک‌جنسیتی کاهش می‌یابد. فرضیه «میزان استفاده از تابو در محیط تک‌جنسیتی بر حسب جنس متفاوت است» نیز ثابت می‌شود ($\text{sig} = 0/002$) و میانگین آن برای مردان ۱۰۲.۵۹ و برای زنان ۷۸.۴۱ است. همچنین، فرضیه «میزان استفاده از تابو در محیط تک‌جنسیتی بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است» نیز ثابت می‌شود ($\text{sig} = 0/004$) و میانگین آن برای مجردها

کمتر بودن میانگین از میانه نشان می‌دهد که

میانگین آن برای مردان ۹۹.۱ و برای زنان ۸۰.۰۲ است. فرضیه «میزان استفاده از تابو بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است» نیز ثابت می‌شود ($Sig = 0/01$)، میانگین آن برای مجردها ۱۰۳.۴ و برای متأهلان ۷۹.۳ می‌باشد؛ ولی میزان استفاده از تابو بدنی بر حسب تحصیلات متفاوت نیست ($Sig = 0/56$).

۱۰۳.۴۹ و برای متأهلان ۸۰.۹۳ می‌باشد؛ ولی فرضیه «میزان استفاده از تابو بر حسب تحصیلات متفاوت است» رد می‌شود ($Sig = 0/54$).

همچنین، درباره تابوهای بدنی فرضیاتی مطرح می‌شود که می‌توان آن‌ها را بررسی نمود. فرضیه «میزان استفاده از تابو بر حسب جنس متفاوت است» اثبات می‌شود ($Sig = 0/01$).

تابوها	مرد				زن					
	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	میانگین	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	میانگین
بیماری‌ها	۰/۷۱۳	۰/۱۶۱	۰/۲۳	۰/۱۰۳	۱۵۱	۰/۷۰۱	۰/۱۴۹	۰	۰/۱۴۹	۱۵۹
مرگ و میر	۰/۶۶۷	۰/۱۷۲	۰/۱۱۵	۰/۴۶	۱۵۴	۰/۷۰۵	۰/۱۸۲	۰/۹۱	۰/۲۳	۱۴۳
خوراک	۰/۷۵۳	۰/۱۸۸	۰/۲۴	۰/۳۵	۱۳۴	۰/۹۰۹	۰/۶۸	۱/۱	۱/۱	۱۱۲
عمومی	۰/۷۲۹	۰/۲۰	۰/۴۷	۰/۲۴	۱۳۶	۰/۸۷۵	۰/۸	۰/۳۴	۰/۱۱	۱۱۸
خانواده	۰/۷۲۶	۰/۱۷۹	۰/۸۳	۰/۱۲	۱۳۸	۰/۹۰۹	۰/۵۷	۰/۱۱	۰/۲۳	۱۱۴
حیوانات- خانواده	۰/۸۱۲	۰/۱۴۱	۰/۲۴	۰/۲۴	۱۲۵	۰/۹۴۳	۰/۴۶	۰/۱۱	۰	۱۰۶
حیوانات	۰/۷۴۴	۰/۲۰۹	۰/۳۵	۰/۱۲	۱۳۱	۰/۸۵۱	۰/۱۱۵	۰/۲۳	۰/۱۱	۱۱۹
حالت روانی	۰/۵۴۱	۰/۳۱۸	۰/۱۰۶	۰/۳۵	۱۶۳	۰/۶۳۲	۰/۳۳۲	۰/۳۴	۰/۱۱	۱۴۲
قومیتی	۰/۶۴۱	۰/۱۸۸	۰/۸۲	۰/۵۹	۱۵۲	۰/۶۴۴	۰/۳۷۶	۰/۳۴	۰/۴۶	۱۴۸
جنسی	۰/۷۹۳	۰/۱۶۱	۰/۲۳	۰/۲۳	۱۲۷	۰/۹۵۴	۰/۲۴	۰/۱۱	۰	۱۰۵
جنسی- خانوادگی	۰/۸۹۴	۰/۸۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۱۱۴	۰/۹۷۷	۰/۲۳	۰	۰	۱۰۲
حالت صورت	۰/۸۰	۰/۱۶۵	۰/۲۴	۰/۱۲	۱۲۴	۰/۸۵۱	۰/۱۴۹	۰	۰	۱۱۴
حالت رفتاری	۰/۷۶۵	۰/۱۶۵	۰/۴۷	۰/۲۴	۱۳۲	۰/۶۵۵	۰/۲۹۵	۰/۲۳	۰/۲۳	۱۴۱
تحقیق‌آمیز	۰/۶۸۲	۰/۱۵۳	۰/۸۲	۰/۸۲	۱۵۶	۰/۶۳۲	۰/۳۷۶	۰/۸	۰/۱۱	۱۴۷
حالت دومی	۰/۶۸۲	۰/۱۸۸	۰/۸۲	۰/۴۷	۱۴۹	۰/۷۸۲	۰/۱۶۱	۰/۲۳	۰/۳۴	۱۳۱
مذهبی- عمومی	۰/۷۶۵	۰/۱۶۵	۰/۴۷	۰/۲۴	۱۳۲	۰/۸۵۱	۰/۱۱۵	۰	۰/۳۴	۱۲۱
مذهبی- نژادی	۰/۷۶۲	۰/۲۰۲	۰	۰/۳۶	۱۳۰	۰/۹۲	۰/۵۷	۰/۱۱	۰/۱۱	۱۱۱
مذهبی- اشخاص	۰/۸۲۱	۰/۸۳	۰/۳۶	۰/۶	۱۳۳	۰/۸۹۷	۰/۴۶	۰/۲۳	۰/۳۴	۱۱۹
مذهبی- لغت	۰/۶۰۲	۰/۲۸۴	۰/۱۰۲	۰/۱۰۲	۱۵۲	۰/۶۳۳	۰/۲۶۷	۰/۶۷	۰/۳۳	۱۵۰
حالات بدنی	۰/۸۳۳	۰/۱۳۱	۰/۱۲	۰/۲۴	۱۳۲	۰/۸۱۶	۰/۱۰۳	۰/۵۷	۰/۲۳	۱۲۸
القاب محلی	۰/۵۳۶	۰/۳۲۱	۰/۱۲	۰/۱۳۱	۱۲۳	۰/۶۱۶	۰/۳۷۹	۰	۰/۱۰۵	۱۵۹
مجموع تابوها	۰/۸۳۳	۰/۱۲۲	۰/۳۳	۰/۱۰۱	۱۲۲	۰/۸۵۶	۰/۱۱۱	۰/۲۲	۰/۱۱	۱۱۸

شکل ۸ درصد استفاده از انواع تابو در بین زنان و مردان در محیط مختلط

۱۰۱۸ است و مقدار آن از میانه کمتر است. این مسئله نشان می‌دهد که اعضای جامعه این تحقیق، در محیط مختلط، از تابوها به میزان بسیار کم استفاده می‌کنند، ولی فرضیه «بین استفاده از تابو در محیط مختلط و سن رابطه برقرار است» رد می‌شود ($Sig = 0/09$). فرضیه «استفاده از تابو در محیط مختلط بر حسب جنس متفاوت است»، ثابت می‌شود ($Sig = 0/02$) و میانگین آن برای مردان ۹۹.۴ و برای زنان ۸۱.۵ است. فرضیه «میزان کاربرد تابو در محیط مختلط بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است» نیز

شکل ۸ نشان می‌دهد که در محیط مختلط میان مردان تابوهای القاب محلی (۱.۷۳)، حالت روانی (۱.۶۳)، و تحقیق‌آمیز (۱.۵۶) بیشترین کاربرد و تابوهای جنسی-خانوادگی (۱.۱۴)، حالت بدنی (۱.۲۲) و حالت صورت (۱.۲۴) کمترین فراوانی را دارند. همچنین، در بین زنان در محیط مختلط تابوهای القاب محلی (۱.۵۹)، بیماری‌ها (۱.۵۹) و مذهبی-لغت (۱.۵۰) بیشترین کاربرد و تابوهای جنسی-خانوادگی (۱.۰۲)، جنسی (۱.۰۵) و حیوانات-خانواده (۱.۰۶) کمترین فراوانی را دارند. میانگین استفاده از کل تابوها برای مردان ۱.۲۲ و برای زنان

ثابت می‌شود ($\text{sig} = 0/04$) و میانگین آن برای مجردها ۹۹.۳۱ و برای متأهلان ۸۳.۷ است؛ ولی میزان استفاده از تابو در محیط مختلط بر حسب تحصیلات متفاوت نیست ($\text{sig} = 0/89$).

حالات روانی	مرد					زن				
	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	میانگین	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	میانگین
شوخی	۰/۳۶	۰/۲۸۱	۰/۲۴۷	۰/۱۱۲	۲.۱۱	۰/۳۱۵	۰/۳۸۲	۰/۱۵۷	۰/۱۴۶	۲.۱۳
عصبانیت	۰/۱۰۱	۰/۳۳۶	۰/۲۴۷	۰/۳۲۶	۲.۷۹	۰/۲۱۶	۰/۴۲	۰/۲۳۹	۰/۱۲۵	۲.۲۷
ناراحتی	۰/۱۴۶	۰/۳۷۱	۰/۳۰۳	۰/۱۸	۲.۵۱	۰/۲۷۳	۰/۴۷۷	۰/۱۸۲	۰/۶۸	۲.۰۴
حالت عادی	۰/۵۷۳	۰/۳۴۸	۰/۴۵	۰/۳۰۴	۱.۵۳	۰/۷۱۳	۰/۱۹۵	۰/۵۷	۰/۳۴	۱.۴۱

شکل ۹. درصد استفاده از تابوها در حالات مختلف روانی در بین زنان و مردان در محیط تک‌جنسیتی

مردان ۱۰۰.۲ و برای زنان ۷۸.۷ است. فرضیه «میزان استفاده از تابو در حالات مختلف روانی بر حسب وضعیت تأهل در محیط تک‌جنسیتی متفاوت است» ثابت می‌شود ($\text{sig} = 0/02$) و میانگین آن برای مجردها ۹۹.۶ و برای متأهلان ۸۱.۸ است؛ ولی میزان استفاده از تابو در محیط تک‌جنسیتی در حالات مختلف روانی بر حسب تحصیلات متفاوت نیست ($\text{sig} = 0/22$).

با توجه به ستون میانگین‌ها، مردان، در محیط تک‌جنسیتی، از تابوها در حالت عصبانیت (۲.۷۹) بیشتر و در حالت عادی (۱.۵۳) کمتر استفاده می‌کنند. زنان نیز در حالت عصبانیت (۲.۲۷) بیشترین و در حالت ناراحتی (۲.۰۴) کمترین میزان استفاده از تابو در محیط مختلط را دارند. فرضیه «میزان استفاده از تابو در حالات مختلف روانی بر حسب جنس در محیط تک‌جنسیتی متفاوت است» ثابت می‌شود ($\text{sig} = 0/05$) و میانگین آن برای

حالات روانی	مرد					زن				
	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	میانگین	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	میانگین
شوخی	۰/۵۵۴	۰/۲۶۵	۰/۱۴۵	۰/۳۶	۱.۶۶	۰/۶۱۹	۰/۳۷۴	۰/۷۱	۰/۳۶	۱.۵۲
عصبانیت	۰/۳۹۳	۰/۳۱	۰/۲۱۴	۰/۸۳	۱.۹۸	۰/۴۰۷	۰/۴۴۲	۰/۷	۰/۸۱	۱.۸۲
ناراحتی	۰/۴۱	۰/۳۸۶	۰/۱۶۹	۰/۳۶	۱.۸۳	۰/۵۲۳	۰/۳۳۷	۰/۱۱۶	۰/۲۳	۱.۶۳
حالت عادی	۰/۷۳۸	۰/۲۰۲	۰/۱۲	۰/۴۸	۱.۳۶	۰/۷۹۱	۰/۱۱۶	۰/۴۷	۰/۴۷	۱.۳۴

شکل ۱۰. درصد استفاده از تابوها در حالات مختلف روانی در بین زنان و مردان در محیط مختلط

استفاده می‌کنند. فرضیه‌های «میزان استفاده از تابو در حالات مختلف روانی بر حسب جنس، وضعیت تأهل و تحصیلات متفاوت است»، رد می‌شوند. جنس ($\text{sig} = 0/20$)، وضعیت تأهل ($\text{sig} = 0/19$)، تحصیلات ($\text{sig} = 0/38$).

جدول بالا نشان‌دهنده این است که در محیط مختلط، مردان از تابوها بیشتر در حالت عصبانیت (۱.۹۸) و کمتر در حالت عادی (۱.۳۶) استفاده می‌کنند؛ زنان نیز در حالت عصبانیت در بیشترین حد (۱.۸۲) و در حالت عادی در کمترین حد (۱.۳۴) از تابوها

مقدار	مرد					زن				
	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	میانگین	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	میانگین
اعمال مذهبی	۰/۲۲	۰/۳۴	۰/۲۹۲	۰/۶۵۲	۳.۵۷	۰	۰/۱۱	۰/۱۲۴	۰/۸۶۵	۳.۸۵

شکل ۱۱. درصد پایبندی به مسائل مذهبی

فرضیه «پایبندی به مسائل مذهبی بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است» نیز ثابت می‌شود ($\text{sig} = 0/03$) و میانگین آن برای مجردها ۷۹/۳ و برای متأهلان ۹۵/۴ است. فرضیه «میان استفاده از تابو در محیط تک‌جنسیتی و مذهب رابطه برقرار

شکل ۱۱ نشان می‌دهد که اعضای جامعه آماری پژوهش برای مسائل مذهبی اهمیت قائل‌اند. همچنین، فرضیه «پایبندی به مسائل مذهبی بر حسب جنس متفاوت است» ثابت می‌شود ($\text{sig} = 0$) و میانگین آن برای مردان ۷۴/۷ و برای زنان ۱۰۴/۲ است.

بیشتر پاسخ‌گویی که قسمت اعتقادات مذهبی در پرسش‌نامه را با دقت بیشتر پاسخ داده‌اند و خود را ملزم به انجام دادن فرایض دینی دانسته‌اند از تابوهای زبانی بیشتر استفاده می‌کنند. پژوهش حاضر می‌تواند شروعی برای پژوهش‌های گسترده‌تر راجع به ارتباط استفاده از دشواژه‌ها و مؤلفه‌های جامعه‌شناختی مانند ادب، مذهب و شغل باشد.

منابع

- ارباب، سبیده. (۱۳۹۱). «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. س ۲. ش ۱، ۴.
- امیری‌نیا، محمود. (۱۳۹۳). هیجان رفتار و تن‌گفتار. نشر آراسته.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۸۷). مسائل زبان‌شناسی نوین. تهران: نشر آگاه چاپ پنجم.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: انتشارات اطلاعات. چاپ بیست و هشتم.
- سمائی، سیدمهدی. (۱۳۸۲). فرهنگ لغات زبان مخفی (با مقدمه‌ای درباره جامعه‌شناسی زبان). زیر نظر علی‌اشرف صادقی. تهران: نشر مرکز.
- شریفی، شهلا و دارچینیان، فهیمه (الهام). (۱۳۸۸). «بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن»، مجله تخصصی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. دوره ۱، ش ۱. صص ۱۲۷-۱۴۱.
- شکیبا، نوشین. (۱۳۸۶). «تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه در گفتار زنان و مردان تهرانی». مجله زبان و زبان‌شناسی. دوره ۳. ش ۲. صص ۱۴۱-۱۵۲.
- فروید، زیگموند. (۱۳۵۱). توتوم و تابو. ترجمه محمدعلی خنجی. تهران: انتشارات طهوری.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۹۳). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی. چاپ چهارم.

است» ثابت می‌شود ($\text{sig} = 0$)؛ شدت رابطه قوی ($0/70$) و جهت آن نیز مستقیم است؛ یعنی، با افزایش پایبندی به مسائل مذهبی میزان استفاده از تابو در محیط تک‌جنسیتی افزایش می‌یابد. درخصوص محیط مختلط هم همین موضوع تکرار می‌شود ($0 = \text{sig}$). شدت رابطه متوسط ($0/54$) و جهت رابطه مستقیم است؛ یعنی، همان رابطه محیط تک‌جنسیتی در محیط مختلط نیز برقرار است.

۶. نتیجه‌گیری

داده‌های به‌دست‌آمده از پژوهش نشان می‌دهند که تابوها در هر دو محیط تک‌جنسیتی و مختلط در بین زنان و مردان استفاده می‌شوند؛ همچنین با بالا رفتن سن میزان استفاده از تابو کاهش می‌یابد. میزان استفاده از تابوها در هر دو محیط مختلط و تک‌جنسیتی بر حسب جنس و وضعیت تأهل متفاوت است. به این ترتیب، مردان بیشتر از زنان و مجردها بیشتر از متأهل‌ها از تابوها در هر دو محیط تک‌جنسیتی و مختلط استفاده می‌کنند ولی تحصیلات بر میزان استفاده از تابوها اثر ندارد. از بین تابوهای استفاده‌شده در میان مردان القاب محلی، حالات دفعی و مرگ و میر و در میان زنان، تابوهای بیماری، مرگ و میر و تحقیرآمیز بیشترین کاربرد را دارند. در مقابل، در بین مردان، تابوهای جنسی-خانوادگی، رفتاری و حالت صورت، و در میان زنان، تابوهای جنسی-خانوادگی، جنسی و حالت صورت و حیوانات-خانواده کمترین فراوانی را دارند. نتایج دیگر پژوهش نشان می‌دهند بیشترین بسامد استفاده از دشواژه‌ها هنگام عصبانیت است نه در بافت زبانی شوخی و صمیمانه. بررسی میزان پایبندی به مسائل مذهبی در بین زنان و مردان نشان می‌دهد که اعضای جامعه پژوهش برای اعتقادات و اعمال مذهبی ارزش بسیار قائل‌اند. همچنین، میزان استفاده از تابو با اهمیت دادن به مسائل مذهبی رابطه مستقیم دارد. به طوری که

- Allan, Keith. & Burrige, Kite. (2006). *Forbidden Words: Taboo and the Censoring of Language*. Cambridge. Iasons.
- Bolton, Kingsley. & Hutton, Christopher. (1995). "Bad and Banned Language". *Language in Society*. 24, 2, 159-186.
- Britannica World Language Dictionary. Philip. W. Goetz. (ed) (1994). Chicago: Frunk & Wagnalls Co. (15th ed). Vol. 11: 483-484.
- Henderson, J. A. (2007). *What's in a Word*. University of Edinburgh, Unpublished M. A Thesis.
- Hughes, Geoffrey. (1998). *Swearing: A Social History of foul language, Oaths and*

- Profanity in English*. Oxford: Black well.
- Jay, Timothy. (2003). *The Psychology of Language*. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Pease, Allan. (1988). *Body language: How to read other's thoughts by their gestures*. London: Sheldon.
- Pool, Stuart. (1999). *An Introduction to Linguistics*. London: Palgrave Macmillan Press.
- Swan, Michael. (1980). *Practical English Usage*. Oxford: Oxford University Press.
- Timothy, Jay. (1992). *Cursing in America*. The Netherlands: John Benjamins North America Publishing Company.
- Wardhaugh, Ronald. (2002). *An Introduction to Sociolinguistics*. (2nd ed). Oxford: Basil Blackwell.

در حالات زیر چقدر از فحش و تابلو استفاده می‌کنید؟

محیط مختلط				محیط زنانه/ مردانه				
زیاد	متوسط	کم	اصلاً	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	
								منطقه
								شوخی
								عصبانیت
								ناراحتی
								حالت عادی

چقدر برای مسائل مذهبی زیر اهمیت قائل‌اید؟

زیاد	متوسط	کم	اصلاً	حالت
				نماز
				روزه
				حق‌الناس
				شرکت در مراسم مذهبی
				احترام به شخصیت و مقام انسانی افراد

از همکاری صادقانه شما سپاسگزاریم .